

مریم‌شناسی*

ای. آر. کرول؛ اف. ام. جلی

طیبه مقدم

اشاره

حضرت مریم در کلیساهای کاتولیک رم و ارتدکس از جایگاهی بس والا برخوردار است و از این رو، بحث مریم‌شناسی یکی از شاخه‌های مهم الهیات مسیحی به شمار می‌آید. اعتقاد به باکره بودن مریم قبل از باردار شدن به مسیح در قرون اولیه وجود داشته است و به تدریج افرادی همچون آگوستین از باکره بودن وی در حین و بعد از زایمان سخن گفته‌اند. اعتقاد به قداست مریم نیز به تدریج شکل گرفته است. تأخیر در شکل‌گیری اعتقادات راجع به مریم در سنت مسیحی به خاطر پرهیز از تفاسیر نادرست بود، چرا که اعتقاد به مبرا بودن مریم از هر گونه گناه شخصی ممکن بود به اعتقاد قداست منحصر به فرد مسیح خدشه وارد کند و نیز اعتقاد به باکره بودن وی ممکن بود موجب انکار جسم حقیقی مسیح شود. بحث مادر خدا بودن، لقاح مطهر، حوای جدید، عروج آسمانی و شفاعت از مسائل دیگری است که در مریم‌شناسی بدان توجه می‌شود.

از قرن هفدهم به بعد «مریم‌شناسی» نام آن بخش از الهیات جزمی شد که به مریم، باکره مقدس، در ارتباط او با خدا و پیوندش با مخلوقات ممنوعش می‌پردازد.

* مشخصات کتاب‌شناختی این اثر از این قرار است:

خاستگاه و تاریخ

وحی داده‌های اولیه را ارائه می‌کند. «کتاب‌های عهد قدیم و عهد جدید، متون مقدس مسائل چشمگیر فراوانی را درباره «باکره مقدس» برایمان بیان می‌کنند... مادر بودن وی به صورت باکره و قداست بی‌خدشه وی به صراحت تأیید شده است»^(۱). با این حال «توصیف مناسب و شرح شایسته شأن و جلال عظیم باکره مقدس فقط از طریق متون مقدس... و بدون در نظر گرفتن سنت کاتولیک و مرجعیت تعلیمی کلیسا غیر ممکن است»^(۲) و در نتیجه اهمیت ردیابی ایمان کلیسا در قرائن سنت مسیحی مشخص می‌شود. بیانیات جدی در رابطه با حضرت مریم چندان نیست و فقط چهار آموزه به طور قطعی و جزئی تعریف شده‌اند که عبارت‌اند از: مادر خدا بودن، بکارت، لقاح مطهر و عروج آسمانی مریم.

تحول در آثار مؤلفان اولیه مسیحیت

مکتوبات اولیه درباره الهیات حضرت مریم بر اساس تأملاتی در کتاب مقدس است. مقایسه عیسی مسیح با آدم توسط پولس (نامه به رومیان ۵:۱۵) در توصیفات قرن دوم در باب مریم به عنوان «حوای» جدید بسط یافت، حوایی که برخلاف حوای اول که نافرمانی و مرگ را به وجود آورد، اطاعت از یگانه قدسی را پدید آورد. (قدیس ژوستین،^۱ قدیس ایرنائوس^۲).

شواهد سه قرن نخست مسیحیت اعتقاد راسخ به باکره بودن مریم در زمان باردار شدن به مسیح (قبل از تولد کودک^۳) را نشان می‌دهد، اما باور به باکره بودن وی به هنگام تولد کودک^۴ و بعد از تولد کودک^۵ را نشان نمی‌دهد. آمبروس (متوفای ۳۹۷) و آگوستین (متوفای ۴۳۰) از باکرگی حضرت مریم در حین و بعد از زایمان مسیح مانند زمان بارداری او حمایت کردند.^(۳)

قداست حضرت مریم نیز به همین سان در آگاهی مسیحیان رشد تدریجی داشته است. به عنوان مثال، برخی وی را در مورد اصرار در قانا^۶ (ایرنائوس) و یا خودپسندی

1. St. Justin

3. ante partum

5. post partum

2. St. Irenaeus

4. in Partu

6. Cana

در دوران حیات علنی پسرش (یوحنا زین‌دهان؛^۱ مقایسه کنید انجیل متی ۱۲: ۴۶) یا حتی شک در تپه جلجتا^۲ (اریگنس^۳) خطا کار دانسته‌اند. اعتقاد آباء کلیسا به رهایی مطلق حضرت مریم از گناه شخصی به تدریج مستحکم شد و بعد از تعریف مریم به مادر خدا بودن در شورای افسس^۴ هیچ‌گونه پرسش جدی در این باره مطرح نشد.^(۴) تأخیر در شکل‌گیری حقایق مربوط به حضرت مریم به روش‌های گوناگون شرح داده شده است. حقایق مسیح‌شناختی و تثلیثی در درجه اول اهمیت قرار دارند. احتمال تفاسیر اشتباه‌گامی انتشار حقایق مربوط به مریم را نامناسب می‌ساخت. مردم مشرک مدیترانه الهه‌های مادر را می‌شناختند. بنابراین، مسیحیت نمی‌توانست به طور صریح با نامیدن مریم به عنوان «مادر خدا»، خود را دچار مخاطره کند. به نظر می‌رسید که مبرا دانستن مریم حتی از کوچک‌ترین گناه شخصی، به قدوسیت منحصر به فرد مسیح خدشه وارد می‌سازد. همین‌طور امکان داشت که بیان ناسنجیده بارداری باکره به نفع روح‌انگاری^۵ تمام شود که جسم حقیقی مسیح را انکار می‌کرد.

تنها در سال ۶۴۹ و در شورای لاتران^۶ با نظارت پاپ قدیس مارتین اول^۷ بود که باکرگی کامل و دائمی حضرت مریم قبل و بعد از تولد مسیح^(۵) اعلا شد. مورخان عقاید درباره این‌که آیا این شورا باکرگی حضرت مریم را در زمان تولد مسیح تصدیق کرده یا نه، اختلاف نظر دارند؛ هر چند پاپ پائول چهارم^۸ صریحاً آن را تعلیم داده بود.^(۶) کلیسا هرگز معنای دقیق باکرگی در زمان تولد مسیح را معین نکرد، اما باور رایج در الهیات بر آن است که باکرگی در زمان تولد مسیح، نشانه معجزه آسای دیگری از منشأ الوهی مسیح است.

اواخر دوره آباپی، اوایل قرون وسطا

تا قرن ششم عید عروج مریم مورد بحث و گفتگو بود. البته لازم است میان مبالغه‌گویی‌های متون آپوکریفا در مورد شرح حال مریم^۹ و سنت معتبر تمایز قایل شویم. دیگر نکات درباره آموزه مریم فقط بدون تعمق مورد توجه قرار گرفت. اعتقاد به وساطت

1. Chrysostom

2. Calvary

3. Origen

4. Council of Ephesus

5. Docetism

6. Lateran

7. Pope St. Martin I

8. Pope Paul IV

9. Transitus Mariae

ملکوتی مریم برپایهٔ توسل به شفاعت او قرار دارد، همچنانکه این نکته در دعای معروف "ما به سوی حمایت تو پرمی‌گشاییم"^۱ بیان شده که دست کم این دعا تا نسخه‌ای یونانی از قرن چهارم قابل ردیابی است. قدیس اندرو^۲ اهل کِرت و قدیس گرمانس^۳ اهل قسطنطنیه در قرن هشتم در شرق لقب شفیع^۴ را بیان کردند؛ در حدود همان زمان این لقب از طریق ترجمه پائول دیکنز^۵ از اثری به نام «زندگی تثوفیلوس»^۶ به غرب راه یافت (شاید بتوان گفت که به رسمیت شناختن تاریخ پیدایش این لقب مورد اختلاف است).

در متون اولیه، دست‌کم به طور تلویحی می‌توان نشانه‌هایی از مادر روحانی بودن مریم را یافت. به عنوان مثال، اریگنس می‌گوید که مادر عیسی را می‌توان مادر کسانی نامید که به مسیح می‌پیوندند؛ هم‌چنان‌که یوحنا^۷ حواری محبوب چنین بود (انجیل یوحنا ۱۹:۲۶). قدیس آمبروس اتپرت^۸ (متوفای ۷۸۴) حضرت مریم را مادر امت‌ها^۹، مادر مؤمنان^{۱۰} و مادر برگزیدگان^{۱۱} می‌داند، همان کسانی که مریم با زایش مسیح به آنها حیات بخشید.

از دوران ایفانوس اهل کونستانتیا^{۱۲} (متوفای ۴۰۳) لقب حوا، مادر زندگی، به مریم داده شد. اما مادر بودن روحانی مریم برای اعضای پیکر اسرارآمیز^{۱۳} به صورت علنی فقط در قرن دوازدهم، از باب نمونه در آثار هرمان اهل تورنه^{۱۴} پدیدار شد. یک عامل موجود در این جا، تکمیل دوسویهٔ مریم‌شناسی و الهیات دربارهٔ کلیسا است. معنای مادر که همیشه بخشی از مفهوم کلیسا به عنوان «حوای جدید» بود، اکنون به مریم نیز به عنوان مادر ما (Our یا Lady) «حوای جدید» اطلاق شد. «همانند کلیسا که وی تصویر آن است، مریم نیز هم‌چنان مادر کسانی است که از نو متولد شده‌اند».^(۷)

از قرن دوازدهم به بعد، معنای دلسوزی مریم نسبت به مسیح در تپه جلجتا بخشی از مریم‌شناسی شد؛ به عنوان مثال، روپرت اهل دویتس^{۱۵} در قطعۀ «ای زن پسرت را بنگر».

1. Sub Tuum Praesidium Confugimus

3. St. Germanus of Constantinople

5. *Paul the Deacon*

7. John

9. *mater gentium*

11. *mater electorum*

13. *Mystical Body*

15. Rupert of Deutz

2. St. Andrew of Crete

4. *Mediatrix*

6. *The Life of Theophilus*

8. Ambrose Autpert

10. *mater credentium*

12. Epiphanius of Constantia

14. Hermann of Tournai

هماهنگ با اعتقاد به عروج مریم، آگاهی قوی‌تری از قدرت مریم در جهت وساطت در نجات افراد بشر مطرح شد که نمونه آن آثار ژان ژنومیترا^۱ در قرن دهم است.

مریم‌شناسی نظام‌مند

مریم‌شناسی نظام‌مند در آثار قدیس آنسلم^۲ (متوفای ۱۱۰۹)، پدر فلسفه مدرسی، ریشه دارد. اصل بنیادین وی معروف است: «چنین شد که باکره با چنان قداست و عظمتی درخشید که بعد از خدا هیچ چیز بزرگ‌تر از او قابل تصور نیست. خدای او مقدر کرده که تنها پسرش را به او بدهد»^(۸) قدیس آنسلم قداست و بکارت، وساطت و شفاعت حضرت مریم را با مادر بودن الهی او مرتبط دانسته است.

قدیس برنارد^۳ (متوفای ۱۱۵۳) نوعی الهیات سنجیده و معنوی را درباره مریم در اثرش به نام *De laudibus beatae virginis* تعلیم می‌داد که شامل موعظه‌هایی در باب مژده بشارت^۴ (*Missus est*) است^(۹) (انجیل لوقا ۱: ۲۶). او وساطت مریم را همچون آباره‌ای^۵ دانست که فیوضات را از مسیح به سان سرچشمه‌ای منتقل می‌کند. وی هرگز در مریم‌شناسی اش پیشتازی نکرد و مریم را مادر روحانی ننامید بلکه او را «بانوی ما»^۶ نامید، ملکه رحمتی که قدرتمند و در عین حال مهربان است. مخالفت او با عید و آموزه بارداری مریم، الگویی بر جا نهاد که حتی بزرگ‌ترین فلاسفه مدرسی آن را دنبال کرده‌اند.^(۱۰)

کتاب جملات پیترو لومبارد^۷ تنها مسائل اندکی را از طریق استنتاج از مسیح‌شناسی به مریم اختصاص داده است. تفاسیر دیگر فلاسفه مدرسی از کتاب جملات پیترو لومبارد از الگوی لومبارد (متوفای ۱۱۶۰) پیروی می‌کند که این تفاسیر عبارت‌اند از: تفسیر قدیس بوناوتورا،^۸ تفسیر قدیس آلبرت کبیر^۹ و تفسیر قدیس توماس آکوئیناس.^{۱۰} به منظور فهم کامل الهیات فلاسفه مدرسی در باب مریم باید دیگر مکتوبات آنان را نیز در نظر گرفت. مؤلف ناشناس اثری در آن دوره به نام *Mariale super missus est* که زمانی به قدیس آلبرت نسبت داده می‌شد، گامی فراتر برداشت و این به هنگامی بود که مریم را در دلسوزی‌اش، به «شریک مسیح و همدم موافق او» وصف کرد.^(۱۱)

1. John the Geometer

2. St. Anselm

3. St. Bernard

4. Annunciation Gospel

5. aqueduct

6. Our Lady

7. Peter Lombard's Sentences

8. St. Bonaventure

9. St. Albert the Great

10. St. Thomas Aquinas

قدیس توماس بصیرت عمیقی را نسبت به مادر خدا بودن مریم در جامع الهیات نشان می‌دهد. قدیس توماس بحث خود را از این حقیقت و حیاتی آغاز می‌کند که مریم مادر عیسی است و سپس قدوسیت، باکرگی و شأن مریم را بررسی می‌کند. مثلاً نوشته‌های موعظه‌آمیز وی در باب «دعای سلام بر مریم»، وساطت و ملکه بودن مریم را نیز نشان می‌دهد.^(۱۲) وی به تلیق مریم شناسی^۱ مبادرت نمی‌ورزد، و ضرورت پرداختن به بحث نجات مریم، وی را از پرداختن به مسئله «لقاح مطهر» باز می‌دارد.

قرن‌ها هیچ‌گونه پیشرفت چشمگیری در رویکرد کلی به مریم‌شناسی به وجود نیامد، اگر چه پرسش‌های فردی همچنان تحریک‌برانگیز بود. نمونه اعلامی این‌گونه مسائل، «لقاح مطهر» بود. دانز اسکوتوس^۲ به صرافت راه حل الهیاتی مشکل اصلی را با طرح آنچه که کلیسا در نهایت آن را اعتقادی جزمی اعلام می‌کند دریافت که همان فدیة محافظت‌کننده حضرت مریم از گناه اولیه است.

ج. گرسون^۳ (متوفای ۱۴۲۹) استثنایی برجسته در دوره‌ای معمولی است. مریم‌شناسی مستدلی در موعظ و تفسیر وی بر سرود «مریم عذرا»^۴ به چشم می‌خورد؛ یعنی بحث وساطت، ملکه بودن و نقش حضرت مریم در عشای ربانی. موعظ قدیس برناردین اهل سیئنا^۵ (متوفای ۱۴۴۴) الهیاتی مستدل درباره وساطت و عروج مریم عرضه می‌کند. وی حق استثنای پذیر نظارت قانونی بر تمام فیوضات را به مریم نسبت می‌دهد.

نهضت اصلاح دینی و پیامدهای آن

مصلحان اولیه جهت توافق با الهیات خویش در باب شام قدیسان، شفاعت اعطاشده به مریم را انکار کردند. در واقع، آنها استغاثه به پیشگاه مریم را تحریم کردند، زیرا آن را برای وساطت منحصر به فرد مسیح زیانبار می‌دانستند. شورای ترنت توجه اندکی به مریم داشت و اعلام کرد که این شورا هیچ‌گونه قصدی برای گنجاندن وی در لوای قانون جهانی گناه اولیه ندارد و رهایی وی از هرگونه گناه واقعی را یادآور شد (برخی الهیدانان تصور میکردند که شورای ترنت این مسأله را تعریف کرد، از جمله ج. دی. آلداما^۶ عضو انجمن عیسی) و از تقدیس تصاویر وی حمایت نمود.

الهیدانان دوره پس از شورای ترنت، مرحله عظیمی را برای مریم‌شناسی گشودند. نه

1. Mariological synthesis

2. Duns Scotus

3. J. Gerson

4. Magnificat

5. St. Bernardine of Siena

6. J. de Aldama

فقط در اسپانیا که در آنجا آیین پروتستان تهدیدی داخلی به شمار نمی‌آمد بلکه در آلمان نیز دفاع از اعتقاد و نیایش حضرت مریم نیازی ضروری قلمداد شد. قدیس پیترو کانسیوس^۱ (متوفای ۱۵۹۷) در اثری مستند و پیشگامانه به نام *De Maria virgine incomparabili* با استفاده فراوان از نقل قولهای کتاب مقدس و آبای کلیسا کتاب *centuriators of Magdeburg*^۲ را باطل اعلام کرد. فرانسیسکو سوئارس^۳، عضو انجمن عیسی (متوفای ۱۶۱۷) شایسته لقب پدر مریم‌شناسی علمی است. سخنرانی‌های سوئارس در رم (۱۵۸۴-۱۵۸۵) تحت عنوان پرسش‌ها^۴ نوعی رویکرد به حیطه کامل و مجزای مریم‌شناسی است؛ اگر چه وی در الهیات نهایی خویش در باب حضرت مریم به نام *De mysteriis vitae christi* (1592) جسورانه اقدام نمی‌کند. هر دو اثر وی مشتمل بر ملاحظاتی گسترده در باب قدوسیت مریم است. سوئارس مطالعه حیات مریم را به عنوان یکی از محبت‌های خدا و فیضی می‌دانست که مقتضای شأن مادر خدا بودن بود.

قرن هفدهم اوج الهیات مریم است. ارتباط مریم با کار نجات‌بخشی مسیح از مضامین اصلی آثار این افراد است: اف. کیو. سالاسار^۵، عضو انجمن عیسی (متوفای ۱۶۴۶)، اس. ساناودرا^۶، عضو Mercedarian (متوفای ۱۶۴۳) و دی. پوتو^۷، عضو انجمن عیسی (متوفای ۱۶۵۲). در آثار کاردینال پیر دبرول^۸، بنیانگذار مکتب فرانسه، «وضعیت مادر خدا» مفهوم محوری در مریم‌شناسی است. برول ستایش تحسین برانگیزی را برای جایگاه مریم در راز تجسد مسیح مطرح می‌کند. قدیس جان اود^۹ (متوفای ۱۶۸۰) درباره آموزه‌ای می‌نویسد که شالوده دل‌بستگی به قلب مریم است^(۱۳) قدیس لوئیس گریگینیون دمونتفورت^{۱۰} (متوفای ۱۷۱۶) عقاید مکتب فرانسه را در جهت مادر روحانی بودن حضرت مریم بسط داده. وی در اثری به نام محبت حکمت ازلی^{۱۱} دل‌بستگی به حضرت مریم را به عنوان شیوه مطلوب جهت کسب حکمت متجسد، عیسی مسیح، ذکر می‌کند. کتاب دل‌بستگی حقیقی این شیوه‌ها را شرح و بسط می‌دهد.

1. St. Peter Canisius

3. Francisco Suarez

5. F. Q. Salazar

7. D. Petau

9. St. John Eudes

11. The Love of Eternal Wisdom

4. *Quaestiones*

6. S. Saavedra

8. Cardinal Pierre de Berulle

10. St. Louis Grignon de Montfort

۲. اثری در باب نویسندگان تاریخ کلیسا از آغاز تا ۱۴۰۰ که بر اساس قرون تقسیم‌بندی شده‌اند.

در پایان قرن هفدهم، در هر حال، باد سرد یانسن‌گرایی^۱ به شدت جریان داشت. طرفداران یانسن با رد وساطت و مادر روحانی بودن مریم، متهم به کم‌اهمیت کردن دل‌بستگی به مریم بودند. کتابچه بحث‌انگیز اما انصافاً انتقادی ای. وایدنفلت^۲ به نام *Monita salutaria* (گنت^۳ ۱۶۷۳)، که به سرعت به زبان انگلیسی با عنوان [*Wholesome Advices form the Blessed Virgin to her Indiscreet Worshippers* توصیه‌های مفید باکره مقدس به عبات‌کنندگان بی‌احتیاط خود] ترجمه شد، لندن (۱۶۸۷) طوفانی به پا کرد که در آن، اثر اصلی غالباً نادیده گرفته شد. قدیس آلفانسس لیگوئوری^۴ (متوفای ۱۷۸۷) به خصوص اثری به نام افتخارات مریم^۵ از وساطت جهانی مریم نه تنها در برابر یانسن‌گرایی و آیین پروتستان بلکه در پاسخ به تردیدهای ال.آ.موراتوری^۶ به دفاع پرداخت.

۱۸۵۴ تا ۱۹۶۲

توصیف «لقاح مطهر» (۱۸۵۴) مطالعات درباره مریم را، از جمله در آثار نیومن^۷ و اسکین،^۸ رونق بخشید. نیومن با نگارش اثری در دفاع از لقاح مطهر، منابعی از آباء کلیسا را ذکر کرد که در آنها مریم به عنوان «حوای جدید» معرفی شده بود. مطالعات وی در باب تحولات آموزه‌ها، مریم‌شناسی را نیز تقویت کرد که نمونه‌ای از آن، کتاب راهنمایی مؤمنان در مسائل اعتقادی^۹،^(۱۴) است. ماتیاس اسکین جایگاهی را برای مریم‌شناسی در کتابش به نام جزم‌اندیشی^{۱۰} (۱۸۷۳-۱۸۸۲) ایجاد کرد؛ سی. فکس^{۱۱} (متوفای ۱۹۵۸) و ای. درووی^{۱۲} عضو انجمن عیسی (متوفای ۱۹۵۰)، برای شناساندن این جایگاه تلاش فراوانی کردند. مشخصهٔ بدیهی الهیات اسکین دربارهٔ مریم «مادر بودن عروسانه»^{۱۳} است؛ این «ویژگی شخصی» مریم است و شالوده‌ارچحیت و رسالت او است. در اواخر این قرن، اثر چهار جلدی جی. بی. ترین،^{۱۴} عضو انجمن عیسی، به نام *Marie, lamere de Dieu et la mere des hommes* شایان ذکر است.

1. Jansenism

2. A. Widenfeldt

3. Ghent

4. Alphonsus Liguori

5. *The Glories of Mary*

6. L. A. Muratori

7. Newman

8. Scheeben

9. On Consulting the Faithful in Matters of Doctrine

10. Dogmatic

11. C. Feckes

12. E. Druwe

13. "bridal Motherhood"

14. J. B. Terrien

مضامین اصلی نیمه اول قرن بیستم، وساطت مریم و عروج آسمانی او است. در اولین کنگره بین‌المللی مریم (لیون ۱۹۰۰) نشست‌های پژوهشی در باب نقش مریم در طرح نجات برگزار شد. در گردهمایی‌های ملی و بین‌المللی بعدی پژوهش‌نامه‌های فراوانی در باب وساطت حضرت مریم ارائه شد؛ به عنوان مثال، مقالاتی از سوی آر. دل‌برویز^۱، عضو انجمن عیسی، جی. وی. باینول^۲، عضو انجمن عیسی و ای. هوگون^۳، عضو فرقه واعظان. کاردینال ای. لپیستر^۴، عضو فرقه قدیسه مریم، در ۱۹۰۱ و سی. وان کرومبروگه^۵ در ۱۹۱۳ در کتابچه‌های راهنمای خویش در باب مریم‌شناسی این‌گرایش را نشان دادند. این جنبش زمانی شتاب گرفت که در کنگره حضرت مریم در بروکسل (۱۹۲۱) وساطت حضرت مریم به عنوان درونمایه اصلی این کنگره قلمداد شد.

کاردینال مرسیئر^۶ کمیسیون‌هایی اسقفی برای پژوهش در باب چگونگی تعریف وساطت مریم تشکیل داد؛ هیئت‌های پایی جهت این هدف در بلژیک، اسپانیا و ایتالیا تعیین شد. گروهی از الهیدانان برجسته در کنار مرسیئر گرد هم آمدند؛ از جمله بی. ام. مرکلباخ^۷، عضو فرقه واعظان (متوفای ۱۹۴۲)، مؤلف *Mariologia* (پاریس ۱۹۳۹)؛ جی. بیترمایکس^۸ (متوفای ۱۹۵۰)، بنیانگذار انجمن مریم‌شناسی فلمیش^۹ در ۱۹۳۱، مؤلف اثری به نام *De Mediatione Universali B. Mariae Virginis quod gratias* (بروژ^{۱۰} ۱۹۲۶)؛ جی. لبن^{۱۱} (متوفای ۱۹۵۷)، مدافع خستگی‌ناپذیر وساطت مریم در آثار فراوان. بعد از تعریف «لقاح مطهر»، تمامی توجهات به سوی تعریف عروج آسمانی مریم معطوف شد. در هر حال، کلیسا با در نظر گرفتن هر دو واقعیت بیشتر متمایل به تعریف رسمی عروج حضرت مریم از طریق اعتقاد مسیحیان بود تا اظهارات موجود در پژوهش‌های الهیاتی. تعریف «لقاح مطهر» در رکود عقلانی نیمه قرن نوزدهم به پرسش‌هایی پایان داد که زمانی متفکران مسیحی را دچار تفرقه کرده بود. کلیسا در ۱۹۵۰، در زمان شکوفایی مطالعات در باب مریم، عروج آسمانی را شرح داد، آموزه‌ای که تا آن زمان در الهیات مریم‌کانون اصلی توجه نبود. تعجب‌آور نیست که تعریف عروج آسمانی توجه به

1. R. de la Broise
3. E. Hugon
5. C. van Crombrughe
7. B. M. Merkelbach
9. Flemish
11. J. Lebon

2. J. V. Bainvel
4. A. Lepicier
6. Cardinal Mercier
8. J. Bittremieux
10. Bruges

تفاوت‌های موجود در بین کاتولیک‌ها و دیگر مسیحیان را برانگیخت؛ زیرا عروج آسمانی نمونه‌ای از مسائل پیچیده کتاب مقدس و سنت و ارتباط آنها با یکدیگر و با مرجعیت تعلیمی کلیسا است.

همچنین پیشرفت در پژوهش‌های مریم‌شناسی این دوره بسیار مرهون راهنمایی پاپ‌ها است. علاوه بر توصیف «لقاح مطهر»^۱ و «عروج آسمانی»^۲ بسیاری دیگر از اسناد مربوط به مریم از واتیکان سرچشمه گرفته‌اند. لئو سیزدهم^۳ به خاطر بخشنامه پاپی خود در باب ذکر و مفهوم اعتقادی آن؛^(۱۵) قدیس پیوس دهم^۴ به خاطر *Ad diem illum* (۱۹۰۴)، در باب مادر روحانی بودن؛ بندیکت پانزدهم^۵ به خاطر *Inter Sodalicia* (۱۹۱۸)، در باب دلسوزی حضرت مریم، پیوس یازدهم به خاطر *Lux Veritatis* (۱۹۳۱)، در باب سالروز شورای افسس در یادها باقی مانده‌اند. اسناد پیوس دوازدهم^۶ شامل حجم وسیعی از مطالب است؛ به عنوان مثال بخش نامه *Fulgens Corona* (۱۹۵۳) جهت سال حضرت مریم، و بخش نامه *Adcaeli Reginam* (۱۹۵۴)، در باب ملکه بودن. پیوس دوازدهم در بخشنامه‌های اعتقادی عظیم خود در مورد جایگاه مریم در الهیات عمومی مسیح و کلیسا، مطالبی را به نگارش درآورده است: از جمله در بخشنامه‌های *Mystici Corporis* (۱۹۴۳)، *Mediator Dei* (۱۹۴۷)، *Haurietis aquas* (۱۹۵۶). پاپ ژان بیست و سوم^۷ در پیام‌های خویش در باب مریم به کرات از مادر روحانی بودن حضرت مریم سخن گفته است؛ به عنوان مثال در پیامش به هشتمین کنگره ملی فرانسوی درباره مریم در شهر لیزیو،^۸ C'este bien Volontiers، در ششم ژوئیه ۱۹۶۱؛^(۱۶) همچنین در جایگاه حمایت از مریم در شورای دوم واتیکان.^۹

واتیکان دوم و دوران پس از آن

راز «مریم باکره مقدس» در شورای دوم واتیکان، که از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ برگزار شد، بسط بیشتری یافت. این شورا در بسیاری از اسناد، از مریم یاد کرد که این امر ابتدا در

1. *Ineffabilis Deus*

3. Leo XIII

5. Benedict XV

7. John XXIII

9. Vatican Council II

2. *Munificentissimus Deus*

4. St. Pius X

6. Pius XII

8. Lisieux

اساس‌نامهٔ آیین مقدس عشای ربانی^(۱۷) صورت گرفت اما به طور خاص در اساسنامهٔ اعتقادی کلیسا آمده است.^(۱۸) مهمترین امر در جهت احیای مریم‌شناسی و دل‌بستگی به مریم این بود که آبای شورا در ۲۹ اکتبر ۱۹۶۳ برای تبدیل الگوی مریم به عنوان بخشی از اسناد کلیسا رأی موافق دادند. خود عنوان این شورا «مریم باکره مقدس، مادر خدا، در اسرار مسیح و کلیسا» وی را در ارتباط نزدیک با پسرش (مریم‌شناسی مسیح‌محور) و «بدن اسرارآمیز» وی (مریم‌شناسی از نوع کلیسایی) قرار داد. این امر زمینهٔ مناسبی برای بررسی نقش مریم در کار نجات‌بخشی فراهم کرد. اهمیت حقیقی و جهانی تصمیم‌گیری شورا از کم جلوه دادن جایگاه مریم در ایمان و دین‌داری کاتولیک نشأت نگرفته، بلکه از تأکید ورزیدن بر نوعی مریم‌شناسی مشارکت - محور^۱ به جای مریم‌شناسی مزیت - محور^۲ ناشی شده است.

شورای واتیکان دوم مطالعات مریم‌شناختی را دگرگون ساخت و از ملاحظات مزیت‌محورانهٔ حضرت مریم به سمت ملاحظات مشارکت‌محورانهٔ او همراه با مسیح (مسیح‌محورانه) و در ارتباط با کلیسا (از نوع کلیسایی) پیش رفت. در مقایسه با مباحث اوایل قرن بیستم، دوران پساشورایی (دوران بعد از شورای دوم واتیکان) شاهد مطالعات اندکی در باب چنین مضمون‌هایی به عنوان اصول مریم‌شناسی یا وساطت حضرت مریم بود، اما تحقیقات بسیار دقیقی به خصوص در باب منابع کتاب مقدس و آبای کلیسا صورت گرفت. ارتباط مریم - کلیسا به جد مورد توجه قرار گرفت.

دغدغهٔ «وحدت‌گرایی»^۳ بر کنکاش الهیاتی نیز تأثیر گذاشته است؛ از عوامل مؤثر در این امر، ارجاع واتیکان دوم به «سلسله‌مراتب واقعیات» بود که این واقعیات «در ارتباطشان با شالودهٔ ایمان مسیحیان متفاوت بوده‌اند» (فتوا در باب وحدت‌گرایی ۱۱، ۲۰). در سال ۱۹۶۷، «انجمن جهانی انگلیسی حضرت مریم باکرهٔ مقدس» بنیانگذاری شد. این انجمن علاوه بر برگزاری گردهمایی‌ها و انتشار نشریات منظم (سلسله‌جزوات، مادر عیسی)، چندین کنفرانس بین‌المللی نیز برپا کرد. شعبهٔ آمریکایی این انجمن در سال ۱۹۷۶ بنیانگذاری شد و محققان مسیحی کاتولیک رومی، انگلیکن، ارتدوکس و پروتستان را جهت بررسی تفاوت‌های مسئله‌انگیز گردهم آورد که مریم باکرهٔ مقدس اغلب نشانهٔ آنها بود. این مسائل عبارت بودند از: رابطهٔ کتاب مقدس و سنت، مرجعیت

تعلیمی کلیسا، مشروعیت متوسل شدن به قدیسان در دعای شام قدیسان^۱ (استغاثه). دکتر ج. ای. راس مکنزی،^۲ الهیدانی از سنت اصلاح شده، (از مدرسه اتحاد الهیاتی، ریچموند،^۳ ویرجینیا)^۴ مدال تشویقی رئیس دانشگاه کاتولیک واشنگتن دی سی را در ۷ دسامبر ۱۹۷۷ دریافت کرد. دریافت این مدال، که در ۱۹۷۴ پی ریزی شد، نشانه پیشرفت در پژوهش و ستایش مریم بود (دریافت کنندگان پیشین عبارت بودند از اسقف اعظم فولتن جی. شین،^۵ مادر روحانی ماری کلودیا،^۶ عضو فرقه «خواهران قلب مطهر مریم»^۷ و تئودور کوهلر،^۸ عضو «انجمن مریم»،^۹ سرپرست کتابخانه مریم در دانشگاه دیتون^{۱۰}). رخدادهای الهیاتی پسا شورایی جهت گیری دوگانه ای در مریم شناسی را نشان داد که عبارت است از: تداوم جهت گیری های شورای دوم واتیکان؛ و عرصه های جدید، به مثابه پژوهش هایی درباره حیات عبادی مؤمنان. اسناد مهم پاپی، مطالعات درباره حضرت مریم را برانگیخت و کنفرانس های ملی اسقفان باعث شد که کشیشان گردهم آیند؛ هم چنان که در ایالت متحده آمریکا، کنفرانس ملی اسقفان کاتولیک^{۱۱} با عنوان «بنگر مادرت را، بانوی ایمان» (۲۱ نوامبر ۱۹۷۳) و در سوئیس (۱۹۷۳)، پوئرتوریکو^{۱۲} (۱۹۷۶) و لهستان (۱۹۷۷) برگزار شد.

موعظه پاپ پائول ششم^{۱۳} با عنوان *Marialis Cultus* (اول فوریه ۱۹۷۴)، «جهت ساماندهی و توسعه صحیح دلبستگی به مریم باکره مقدس»، جایگاه مریم را در آیین عبادی اصلاح شده غرب نشان داد و نکات مهمی را در باب انسان شناسی، در باب مریم باکره مقدس با توجه به حقوق زنان و در باب شأن انسان در برداشت.

در دهه های بعد از شورای دوم واتیکان، انجمن های مریم شناسی در کشورهای مختلف به فعالیت خویش ادامه دادند. در ایالات متحده آمریکا، انجمن مریم شناسی آمریکا برای بیست و پنجمین بار در ژانویه ۱۹۷۴ برگزار شد. سخنرانان و موضوعات مورد بحث آنان حاکی از افزایش جهت گیری وحدت گرایانه بود؛ به عنوان مثال آبستنی باکره به عیسی در اجلاسیه قدیس لویس در ۱۹۷۳ با ارائه مقالات از سوی ای. سی.

1. Communion of Saints

3. Richmond

5. Fulton J. Sheen

7. IHM

9. SM

11. NCCB

13. Pope Paul VI

2. Dr. J. A. Ross Mackenzie

4. Virginia

6. Mother Mary Claudia

8. Theodore Koehler

10. Dayton

12. Puerto Rico

پیپکرن^۱ (عضو کلیسای پروتستان)، اچ. دبلیو، ریچاردسن^۲ (پرسبیترن) مورد بحث و بررسی قرار گرفت [مطالعات در باب حضرت مریم ۲۴ (۱۹۷۳)]. انجمن‌های ملی، که با الهیات مریم سروکار داشتند، همچنان به کار خود ادامه دادند، که از نمونه‌های آنها می‌توان از انجمن فرانسوی،^(۱۹) انجمن اسپانیایی،^(۲۰) انجمن کانادایی (نشریات خاص فرانسوی‌زبان) و انجمن آمریکایی (مطالعات مریم) نام برد. موضوعات انجمن فرانسوی در طی این دوره مسائل پسا‌شورایی را نشان می‌دهد که عبارت‌اند از «جایگاه حضرت مریم در گردهمایی‌های مذهبی الهام‌بخشی مریم» (۱۹۷۲)؛ «مریم و مسئله زنان» (۱۹۷۳ و ۱۹۷۴)، و تصویرگری مریم در زهد عامیانه، به لحاظ تاریخی، پیکرنگاری و روانشناسی» (۱۹۷۶ و ۱۹۷۷). انجمن اسپانیایی به چهلمین مجلد از گزارشات منتشره خود دست یافت. مضامین جدید عبارت‌اند از «روانشناسی مریم» (۱۹۷۲)؛ «مریم و راز کلیسا» (۱۹۷۳)؛ «آموزه‌های مریم و تفسیر اعتقادات جزئی» (۱۹۷۶).

مجله *Marian Library Studies* (دیتون)، مجله *بین‌المللی Marianum* (رم)، مجله *Ephemerides Mariologicae* (مادرید) و دیگر مجلات ادواری تحقیقاتی یا عمومی، کانون‌های کنونی علایق مریم‌شناسی را نشان می‌دهند که عبارت‌اند از زهد عمومی، کتاب مقدس، خصوصاً حکایات کودکانه؛ اصول مذهبی، مریم و وحدت‌گرایی، مریم به مثابه الگوی کلیسا، مریم و زنان، مریم در عبادت عمومی. نیایش عمومی مریم، باکره مقدس، به طور روزافزون به موضوع تحقیقاتی تبدیل شد. علایق تحقیقاتی بر خاستگاه‌ها و اهمیت دلبستگی عوام در فرهنگ‌های مختلف هم در برّ قدیم (مکان‌ها و حرم‌های زیارتی مانند Lourdes و Czestochowa بیش از همیشه بازدید می‌شوند) و هم در برّ جدید (گوادلوپ،^۳ آرژانتین و کشورهای دیگر) تمرکز یافت. مضمون مشترک، جایگاه حضرت مریم در «طریق حُسن»^۴ است که مکمل «طریق عقل» است؛ همان‌گونه که پاپ پائول در کنگره رم در مه ۱۹۷۵ این نکته را پیشنهاد کرد.

ژان پل دوم^۵ و منشور مادر نجات‌بخش^۶

دوران پاپی ژان پل دوم با انتشار بخش‌نامه پاپی با عنوان مادر نجات‌بخش در ۲۵ مارس

1. A. C. Piepkorn

2. H. W. Richardson

۳. مشتمل بر ۷ جزیره در دریای کارائیب - متعلق به کشور فرانسه.

4. Way of Beauty

5. John Paul II

6. Redemptoris Mater

۱۹۸۷ نقطه عطف مهم دیگری در مطالعات مریم‌شناختی برجای نهاد. منشور مادر نجات بخش تعمقی جامع و مبتنی بر کتاب مقدس، شوراها کلیسایی و الهیات در باب مادر خدا بود که خطاب به تمام مسیحیان صادر شد. این بخش نامه نقش واسطه‌ای فرعی حضرت مریم، نقش وی به مثابه الگوی مادر و مرید باردار و مطیع در برابر اراده خداوند را شرح می‌داد. در این بخش نامه، زهد حضرت مریم به عنوان سنت مشترکی قلمداد شد که کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

جنبه‌های الهیاتی

الهیات مریم، متأثر از انگیزه‌های واتیکان دوم، بر این واقعیت تأکید می‌کند که فیوضات و امتیازات خاص مریم در اصل باید به خاطر پسرش و بدن نجات یافته - نجات‌دهنده پسرش، کلیسا، نگریسته شود. وحی الوهی دربارهٔ مریم اسرار اصلی ایمان را برای حیات مسیحیان معقولانه‌تر و معنادارتر می‌کند.

تأکیدات مسیح‌محورانه و از نوع کلیسایی مریم‌شناسی معاصر به طور متقابل مکمل یکدیگرند و تفاوتی با یکدیگر ندارند؛ زیرا مریم نمی‌تواند بدون ارتباط نزدیک با بدن کلیسایی‌ای که مسیح در طی عمل نجات بخش خویش دریافت کرد، با مسیح ارتباط داشته باشد و در عین حال مریم الگوی کهن کلیسا است، فقط به این علت که ارتباط منحصر به فرد مریم با مسیح شالوده‌ای برای مشارکت کلیسا در عمل نجات بخشی مسیح است.^(۲۱) در نتیجه تمرکز بر معنای کلیسایی اعتقاد و دلبستگی به حضرت مریم نباید مشخصهٔ اساسی مسیح‌محورانه‌شان را پنهان سازد.

امروزه الهیدانان بیشتر متمایل اند که قیاس مریم - کلیسا را در درون عقیدهٔ اصلی مربوط به مریم و یا در اصل بنیادی مریم‌شناسی بگنجانند. «مادر بودن عینی مریم با توجه به مسیح، انسان - خدای نجات‌دهنده - و مادر خدا بودن کامل وی کاملاً در ایمان پذیرفته شد. این دو نکته کلید فهم کامل راز مریم و اصل اساسی مریم‌شناسی است که عیناً با موقعیت عینی و ذهنی منحصر به فرد نجات داده شدن مریم یکی است.»^(۲۲) هر دو نوع تأکید یعنی مریم‌شناسی مسیح‌محور («مادر خدا بودن کامل حضرت مریم») و مریم‌شناسی از نوع کلیسایی («موقعیت عینی و ذهنی منحصر به فرد نجات داده شدن حضرت مریم») در درون یک اصل نظام‌مند گنجانده شده است. رسالت مریم به عنوان مادر کلمهٔ متجسد باید در ارتباط نزدیک با فیوضاتی لحاظ شود که فراخوانی او را به اینکه نمونه کلیسا باشد، آشکار کند.

لقاح مطهر

بر این اساس، لقاح مطهر حضرت مریم عنایت خاص خدا است که مریم را آماده می‌کند تا آزادانه دعوت به مادر منجی شدن را بپذیرد و در نتیجه در عمل نجات بخشی سهیم شود. توماس اکویناس با پیروی از قدیس برنارد تعلیم می‌داد که رضایت مریم «در عوض تمام نژاد بشر» حاصل شد،^(۲۳) زیرا مریم کاملاً پذیرای طرح محبت‌آمیز خدا بود. اعضای کلیسای مسیح می‌توانند ثمرات محبت نجات‌بخش مسیح را در حیاتشان دریافت کنند. مریم که اولین ثمره فدیة بخشی پسرش است، منحصرأً به طور عینی (و مبرا از تمام گناهان به واسطه فیض لقاح مطهر) نجات یافته است. او که با تعهد کامل به وظیفه‌اش پاسخ گفته، منحصرأً به طور ذهنی نیز نجات یافته است. از آنجا که مریم، منجی را در حیات ایمان محبت‌آمیز خویش دریافت کرد، به طور مادرانه در فدیة عینی نجات نوع بشر به دست مسیح شریک شد. در واقع، مسیح به تنهایی نجات‌دهنده‌ای است که جهان را با پدر در روح‌القدس مصالحه می‌دهد. با این حال، «مادر خدا بودن کامل» حضرت مریم به عمل آزادانه یکی شدن او با نجات عینی مسیح، معنا و ارزش نجات‌بخشانه‌ای را برای تمام اعضای کلیسا به همراه می‌آورد.

مادر خدا بودن

این واقعیت که مادر مسیح بودن حضرت مریم هم نکاحی و هم باکره‌ای است اهمیت کلیسایی فراوانی دارد.^(۲۴) فرمان صریح رضایت آزادانه مریم در روز بشارت و فرمان سکوت وی در پای صلیب، او را به عروس روحانی منجی تبدیل کرد. مریم با دلسوزی خویش ثمرات قربانی شدن فرزند خویش را هم برای نجات خویش و هم نجات کل کلیسا دریافت کرد. به همراه و در نتیجه این پذیرش خلاقانه فیض، مادر بودن نکاحی وی نیز همراه با باکرگی است. ثمرات مادرانه وی نمی‌تواند از قدرت انسان سرچشمه بگیرد، بلکه از دم روح‌القدس مایه می‌گیرد. اگر وی مسیح را در غیر حالت باکرگی باردار می‌شد ارتباط نکاحی وی با لوگوس (کلمه) متجسد مبهم می‌ماند. بدون باکرگی دائمی وی، آشکارسازی وفاداری کامل و دائمی او به مسیح و رسالت مسیحیابی مسیح تیره باقی می‌ماند. بنابراین، مریم الگوی کهن کلیسا است؛ هم چنان‌که کلیسا نیز عروس باکره

مسیح است. همان‌گونه که اجتماع افراد به واسطهٔ مسیح نجات می‌یابند، کلیسا به وفاداری مدام به کلمه او فراخوانده می‌شود. لقاچ مطهر نمونهٔ کامل کلیسای سرشار از فیض است. همان‌گونه که اجتماع مقدس به وساطت، نجات را برای جهان فرامی‌خواند، کلیسا نیز مادر بودن نکاحی حضرت مریم را تصور می‌کند. عروج آسمانی، حضرت مریم را «نشانهٔ امید قطعی و آرامش قوم زائر خدا» معرفی می‌کند.^(۲۵) در نتیجه تمام آموزه‌های مریم به سوی تأمل الهیاتی و دعاگونه مریم به عنوان کهن‌الگوی کلیسا نزدیک می‌شوند.

مریم و کلیسا به عنوان مادران نکاحی و باکره باید فعالانه با یکدیگر با روح‌القدس متحد باشند. یگانه منبع باروری معنوی آنها حضور و فعالیت دائمی روح خدای رستاخیز شده^۱ است. ارتباط نزدیک‌تر مریم‌شناسی و روح‌شناسی در نوعی متعادل از مسیح‌شناسی، کلیساشناسی و انسان‌شناسی مسیحی سهم بسزایی دارد. اقدامات زیادی باید در این زمینه انجام شود، خصوصاً از سوی الهیدانان کلیسای غرب که مطالعهٔ میراث عظیم سنت شرقی را در مورد روح‌القدس با جدیت بیشتر آغاز کرده‌اند.

حوای جدید

بخشی از میراث آبایی مشترک غرب و شرق تصور حضرت مریم به عنوان «حوای جدید» است. کشف مجدد این تصور با الهام خاص از نوشته‌های کاردینال نیومن در باب مریم، منجر به تحقیقات جدید دربارهٔ گواهی آبای کلیسا شده است که از این تصور در تعالیم خود درباره حضرت مریم استفاده می‌کردند. بعد از کتاب مقدس، این گواهی قدیم‌ترین تأمل در باب مریم را نشان می‌دهد و منبع بسیار مفید قیاس و سنخ‌شناسی حضرت مریم - کلیسا است. «کنفرانس ملی اسقفان کاتولیک»^(۲۶) در نامهٔ اسقفی دربارهٔ مریم باکرهٔ مقدس این‌گونه اشاره می‌کند: «کلیسا حتی از دیرزمان «حوای جدید» بوده است». کلیسا عروس مسیح است و از پهلوی مسیح در خواب مرگ بر روی صلیب به وجود آمده، همان‌گونه که حوای نخستین به دست خدا از دندهٔ آدم که در حال خواب بود به وجود آمد.»^(۲۷) کلیسا از اولین روزها، خود را در مریم، نمادین ساخت و نهاد اسرارآمیز خود را عمیق‌تر در پرتو مریم به عنوان الگوی کهن درک کرد. مریم تمامی آنچه

را که کلیسا هست و می‌خواهد باشد «تشخص می‌بخشد».

تأثیر مریم‌شناسی از نوع کلیسایی بر دلبستگی به مریم بسیار آموزنده بوده است. پاپ پائول ششم^۱ در موعظه خویش جهت ساماندهی و توسعه صحیح دلبستگی به مریم باکره مقدس بیان کرد: «مریم شایسته تقلید است، زیرا وی اولین و کامل‌ترین حواری مسیح است. تمام این ویژگی‌ها دارای ارزش الگویی، دائمی و جهانی است.»^(۲۸) البته مریم، الگویی بدین معنا نیست که طرحی کلیشه‌ای باشد که مسیحیان معاصر وی را الگوی حیات خویش سازند. با این حال، اگر بناست مسیحیان به عنوان اعضای بدن زنده مسیح، یعنی کلیسا، به کمال برسند، باید از راه استغاثه در معنای دائمی ایمان، شجاعت، توجه، و استقامت مریم نفوذ کنند.

اما مانع موجود بر سر راه بسیاری از افراد خصوصاً اعضای کلیساهای دیگر، مفهوم شفاعت و میانجی‌گری مریم است. به نظر می‌رسد که این شفاعت، مانع میانجی‌گری منحصر به فرد مسیح شود. فصل مربوط به مریم در شورای دوم واتیکان صریحاً می‌آموزد که «نقش مریم به عنوان مادر انسان‌ها به هیچ‌وجه وساطت منحصر به فرد مسیح را محو یا خدشه‌دار نمی‌سازد، بلکه قدرت آن را نشان می‌دهد.»^(۲۹) مفهوم‌سازی دوباره از این راز باید هرگونه تصور واسطه بودن حضرت مریم را برطرف کند، هم‌چنان‌که این تصور از نقش خدای رستاخیز شده (مسیح) نیز برطرف شده است. این برداشت غلط معنای اصلی تجسد و شکوه واقعی حضرت مریم را، یعنی اینکه خدای پسر انتخاب کرد که در او به انسان تبدیل شود و برای همیشه با انسانیت برخاسته خود در تاریخ بشر حاضر باشد، از دست می‌دهد. مادر روحانی بودن مریم در درجه نخست مؤمنان را برمی‌انگیزد که با مسیح همیشه حاضر از نزدیک در حیات روزمره مسیحی‌شان برخورد کنند. مریم به عنوان الگوی کهن کلیسا و به واسطه رسالت باشکوه شفاعت‌خواهی‌اش، فرزندان معنوی خویش را روشن و ملهم می‌سازد تا در عمل مستقیم روح پسر خویش فرمانبرداری بیشتری کنند و در فیوضات خاص محبت نجات‌بخش خدا مشارکت فراوان‌تری داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Pius XII, *Acta Apostolicae Sedis* 46 (1954) 678.
2. Ibid.
3. See virgin Birth.
4. 431; *Enchiridion symbolorum*.251.
5. *Enchiridion Symbolorum*, 503.
6. *Enchiridion Symbolorum*, 1880.
7. Gueric of Igny, d. 1155; *patrologia latina*, 185:188.
8. *De conceptu virginali* 18; *patrologia latina*, 158:451.
9. *Patrologia latina*, 183:55-88.
10. *Patrologia latina*, 182:332-336.
11. Gn2.21.
12. see, Mary, Blessed virgin Queenship of.
13. see, IMMaculate Heart of Mary.
14. see Doctrine, Development of.
15. e. g., *Iucunda Semper*, 1894.
16. *Acta Apostolicae Sedis* 53 (1961) 504-506.
17. No. 103.
18. Chap. 8.
19. *Bulletin de La Soliété francaise d'etudes mariales*
20. *Estudios Marianos*
21. See Semmelroth 1963, esp.80-88.
22. Schillebeeckx 106.
23. *Summa Theologiae* 3a, 30.1.
24. See Semmelroth 1963, esp. 117-142.
25. *Lumengentium* 68-69.
26. NCCB.
27. NCCB 41.
28. Paul VI 35.
29. *Lumen Gentium* 60.